



Studies on Understanding Hadith

P-ISSN: 2588-3895

E-ISSN: 2588-4417



DOI: 10.30479/mfh.2025.18374.2221

Re-examining the Attribution of Lack of Intelligence in Women in Nahj al-Balaghah

Mohsen Deimekar Garab¹

Abstract

Although the description of women as “defect of faith, intellect and inheritance” in one of the sermons of The Nahj al-Balagha has long attracted the attention of commentators and narrators, however, in the current era, this sermon has sometimes been criticized for its influence on emerging modern-discourses on women’s rights, especially from the intellectual and dissident currencies. The present study intends to analyze the notion of “defect of intellect” in this sermon, based on the analysis of the narrative and historical heritage of the two sects, relying on the analysis of the discourse atmosphere of issuing of this sermon, in order to obtain another reading of this part of context. Studies show that the new view of the discrediting of this sermon has been due to newly emerging discourses, a lack of careful reading of the sermon, and a lack of attention to its discursive space. While considering the narrations of Kulayni, Ibn Rustam, and Ibn Jawzi, as well as the fame of sermons and passages consistent with the aforementioned sermon, the probability of its issuance increases. In addition, considering the criticisms made against the aforementioned views, the discursive atmosphere of the sermon after the Battle of Jamal, and the passages consistent with the sermon in other sermons, Imam Ali in this sermon is in a situation to condemn the people who obeyed Aisha in the war with Imam Ali, and since the main factor of this war was Aisha, in a new way, Imam Ali sought to awaken the latent conscience of those warriors and make them aware of his great mistake by adapting the defecting in the description of women based on subtle literary metaphors in re-reading some facts or based on customary attitude. Just as Aisha is implicitly condemned.

Keywords:

Amir al-Mu’minin, The Nahj al-Balagha, Lack of Intelligence, Condemnation of Women, The Battle of the Camel.

Article Type: Research

1. Associate Professor at the Holy Quran University of Sciences and Education.

Email: dimeh@quran.ac.ir

Received on: 27/04/2024

Accepted on: 08/10/2024

Copyright © 2025, Deimekar Garab

Publisher: Imam Khomeini International University.





تلفن: ۰۲۱-۲۸۸۸-۲۸۹۵
شماره مجله: ۰۲۱-۲۸۸۸-۴۴۱۷

مطالعات فقه حدیث



DOI: 10.30479/mfh.2025.18374.2221

بازخوانی نسبت نقصان عقل به زنان در نهج البلاغه

محسن دیمه کار گراب^۱

چکیده

وصف زنان به «نقصان در ایمان، عقل و ارث» در یکی از خطبه‌های نهج البلاغه، از دیرباز توجه شارحان را جلب نموده ولی در دوران کنونی گاه به تأثر از گفتمان‌های نوپدید حقوق زنان به ویژه از ناحیه جریان‌های روشن‌فکری مورد نقد قرار گرفته است. نوشتار پیش‌رو بر آن است تا بر پایه مصدربابی در میراث روایی و تاریخی با تکیه بر تحلیل فضای گفتمانی صدور خطبه، انگاره «نقصان عقل» را واکاوی نموده تا از این رهگذر خوانش دیگری از این فراز به دست دهد. بررسی‌ها نشان می‌دهد دیدگاه نوپای بی‌اعتباری خطبه بیشتر در پی گفتمان‌های نوپدید، عدم خوانش دقیق از خطبه و کم‌توجهی به فضای گفتمانی آن بوده، درحالی‌که با نقل کلینی، ابن‌رستم، و ابن‌جوزی و نیز شهرت خطبه‌ها و فرازهای موازی با خطبه نقصان صدور آن تقویت می‌گیرد. وانگهی نظر به نقدهای وارد بر دیدگاه‌های مطرح شده، فضای گفتمانی صدور خطبه پس از جنگ جمل و فرازهای هم‌سو با خطبه در سایر خطبه‌ها، حضرت در این خطبه در مقام نکوهش افرادی هستند که از عائشه در محاربه با امام علی (ع) اطاعت کردند و از آن‌جا که رکن اصلی این جنگ عائشه بود، حضرت به شیوه خاصی با کار بست نقصان در توصیف زنان «بر پایه مجاز و استعاره‌های لطیف ادبی در بازخوانی فرازهای قرآنی شهادت، ارث و عادت زنان» و یا «بر پایه نگرش عرفی به زنان» خواستند وجدان نهفته آن محارب‌ان را بیدار نموده و به اشتباه خویش واقف گردانند. همچنان‌که به صورت تلویحی عایشه نیز به دلیل جنگ افروزی مشمول نکوهش قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها

امیرالمؤمنین (ع)، نهج البلاغه، نواقص العقول، نکوهش زنان، جنگ جمل.

نوع مقاله: پژوهشی

۱. دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، dimeh@quran.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۷



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسأله

«نهج البلاغه» از دیرباز جایگاه ویژه‌ای نزد دانشمندان داشته است، لیکن فرازهایی از این کتاب، از ناحیه برخی اندیشمندان و جریان‌های فکری مورد نقد قرار گرفته، مانند خطبه‌ای که از زنان به سه نقصان در ایمان، عقل و ارث یاد شده است: «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ النِّسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ نَوَاقِصُ الْحُطُوطِ نَوَاقِصُ الْعُقُولِ فَأَمَّا نَقْصَانُ إِيْمَانِهِنَّ فَمَعُودُهُنَّ عَنِ الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ فِي أَيَّامِ حَيْضِهِنَّ وَ أَمَّا نَقْصَانُ عَقُولِهِنَّ فَشَهَادَةُ امْرَأَتَيْنِ كَشَهَادَةِ الرَّجُلِ الْوَاحِدِ وَ أَمَّا نَقْصَانُ حُطُوطِهِنَّ فَمَوَارِيثُهُنَّ عَلَى الْأَنْصَافِ مِنْ مَوَارِيثِ الرِّجَالِ فَاتَّقُوا شَرَّارَ النِّسَاءِ وَ كُونُوا مِنْ خِيَارِهِنَّ عَلَى حَذَرٍ وَ لَا تُطِيعُوهُنَّ فِي الْمَعْرُوفِ حَتَّى لَا يَطْمَعَنَّ فِي الْمُنْكَرِ» (سیدرضی، بی‌تا، ۱۰۵-۱۰۶؛ همو، ۱۴۰۶ق، ۱۰۰).

از عنوان خطبه «وَمِنْ خُطْبَةٍ لَهُ بَعْدَ فَرَاغِهِ مِنْ حَرْبِ الْجَمَلِ فِي ذِمِّ النِّسَاءِ بَيَّانِ نَقْصِهِنَّ» پیداست سیدرضی این خطبه را سخنی از آن امام همام در نکوهش زنان دانسته است.

در میان پژوهش‌های سامان‌یافته، برخی بر این باورند خطبه مذکور، از امام علی (ع) صادر نشده و گزارشی از شعبی به نقل شریح‌بن‌هانی از نامه امام علی (ع) است که به دلیل ضعف سند، مردود است. در نتیجه، شبهات مبتنی بر این نامه یا خطبه، با اثبات عدم صدور سخن از امام اساساً وارد نیست (طیبی، ۱۳۹۵ش). برخی معتقدند زنان در عقل ذاتی نقصانی نسبت به مردان ندارند، به ویژه نظر به مهجوریت و مظلومیت زنان عصر جاهلیت، برداشت نقصان عقل اکتسابی زنان آن عصر از کلام امام را منطقی و عاقلانه دانسته‌اند (قربان‌نیا و حافظی، ۱۳۹۲ش).

برخی «نقص»، را به معنای ضعیف شدن، و عقل را به معنای حافظه دانسته‌اند. زنان به دلیل برخی ویژگی‌های جسمی و روحی، احتمال می‌رود برخی جزئیات یک رویداد را به حافظه نسپارند (پورمولا و افسردیر، ۱۳۹۳ش). برخی نقصان عقل زنان را به دلیل گمراهی آنان هنگام شهادت دانسته‌اند. وانگهی حضور کمتر زنان در امور اجتماعی، اقتصادی، نظامی و عدم رویارویی با مشکلات، اطلاعات و تجربیات کم آنان را دلیل نقص عقل آن‌ها دانسته‌اند (امینی و ابراهیمی، ۱۳۹۲ش).

برخی نیز معتقدند هدف حضرت بیان تفاوت‌هایی است که زنان در انجام عبادات، شهادت در دادگاه و ارث بردن در مقایسه با مردان دارند (رضایی و ناطقی، ۱۳۹۸ش). در مقاله «روایات نقصان عقل و ایمان زنان در بوتۀ اعتبارسنجی» نیز به دو احتمال اشاره شده است: اول: دشواری فهم خطبه به دلیل تقطیع، دوم: نقص را به معنی تفاوت و امام

را در مقام بیان تفاوت‌های تکوینی و طبیعی مرد و زن دانسته‌اند که این تفاوت‌ها دلیل برتری یکی بر دیگری نیست و نهایتاً مراد ایشان نکوهش هر مرد و زنی است که این تفاوت‌ها را درک نمی‌کند (دیاری و جعفری، ۱۳۹۵، ش، ۶-۲۴).

نظر به نگرش‌های منفی که گاه اعتبار خطبه، کتاب و گاه نگرش آن امام همام را در بوته نقد قرار داده‌اند، نوشتار پیش‌رو در صدد است خوانش واقع‌بینانه‌تری نسبت به این خطبه به دست دهد.

رویکرد انتقادی به دیدگاه‌های مطرح شده، مصدربابی خطبه در میراث روایی و تاریخی، توجه به ماهیت شکل‌گیری جنگ جمل، خاستگاه و فضای گفتمانی صدور خطبه در حضور یک‌ماهه پس از جنگ جمل در بصره، توجه به خطبه‌های موازی با خطبه نقصان، بازخوانی کاربست نقصان در توصیف زنان «بر پایه مجاز و استعاره‌های لطیف ادبی در بازخوانی فرازهای قرآنی و حقائق خلقت» و یا «بر پایه نگرش عرفی» و تمایز دیدگاه برگزیده با سایر پژوهش‌ها در این خطبه نشانگر نوآوری‌های علمی در بازخوانی این خطبه است.

۲. مصدرشناسی خطبه

فراز آغازین سه نوع نقصان، در ضمن نامه‌ای طولانی در «المسترشد فی إمامة علي بن أبي طالب (ع)» از طبری به طریق شعبی از شریح‌بن‌هانی نقل شده (۱۴۱۵ق، ۴۰۸-۴۱۸). همچنین ابن‌طاوس در «کشف المحجبة لثمره المهجبة» همین نامه را از «رسائل کلینی» به اسناد علی‌بن‌ابراهیم با اختلاف اندکی نقل کرده است (ابن‌طاوس، ۱۳۷۵ش، ۲۳۵-۲۵۳)، در این نامه «سه نقصان» در یادکرد ماجرای بیعت‌شکنی طلحه و زبیر و رفتن آن‌ها نزد عایشه برای جنگ‌افروزی ذکر شده است: «... وَ كَانَ طَلْحَةُ يَرْجُو الْيَمْنَ وَ الزُّبَيْرُ يَرْجُو الْعِرَاقَ، فَلَمَّا عَلِمَا أَنِّي غَيْرُ مُوَلِّيهِمَا اسْتَأْذَنَانِي لِلْعُمْرَةِ يُرِيدَانِ الْعُدْرَ، فَأَتَيْتَا عَائِشَةَ وَ اسْتَحْفَاها مَعَ كُلِّ شَيْءٍ فِي نَفْسِهَا عَلَيَّ، وَ النَّسَاءُ نَوَاقِصُ الْإِيْمَانِ، نَوَاقِصُ الْعُقُولِ، نَوَاقِصُ الْحُطُوطِ، فَأَمَّا نَقْصَانُ إِيْمَانِهِنَّ فَقَعُودُهُنَّ عَنِ الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ فِي أَيَّامِ حَيْضِهِنَّ، وَ أَمَّا نَقْصَانُ عُقُولِهِنَّ فَلَا شَهَادَةَ لَهُنَّ إِلَّا فِي الدِّينِ وَ شَهَادَةُ أَمْرَاتَيْنِ بَرَجَلٍ، وَ أَمَّا نَقْصَانُ حُطُوطِهِنَّ فَمَوَارِيثُهُنَّ عَلَى الْأَنْصَافِ مِنْ مَوَارِيثِ الرِّجَالِ، وَ قَادَهُمَا عُبَيْدُ اللَّهِ بَنُ عَامِرٍ إِلَى الْبَصْرَةِ، وَ صَمِنَ لَهُمَا الْأَمْوَالُ وَ الرِّجَالُ...» (ابن‌طاوس، ۱۳۷۵ش، ۲۳۵-۲۵۳).

از آن‌جا که طریق کلینی پس از علی‌بن‌ابراهیم در نقل این نامه ذکر نشده و طریق ابن‌رستم تا شعبی و شریح‌بن‌هانی نیز نقل نشده، گمانه زنی در خصوص اتحاد طریق

این روایت در انتهای سند، دشوار است، لیکن نظر به اختلافات میان این دو نامه امکان تعدد نقل از دو مصدر متفاوت، بیشتر به ذهن خطور می‌کند. هرچند «رسائل کلینی» دستیاب نیست ولی به دلیل جلالت ابن طاوس و دسترسی وی به آن و همچنین جلالت قدر کلینی و علی بن ابراهیم، تردید در انتساب این نامه به امام علی (ع) و جیه به نظر نمی‌رسد.

از آن جا که بخش دوم خطبه سیدرضی «فَاتَّقُوا شِرَارَ النِّسَاءِ...» در این نامه ذکر نشده، گویا سیدرضی خطبه را از نامه مذکور نقل نکرده، وانگهی نامه به سیاق غیاب در شرح ماجرا نگاشته شده و خطبه مزبور در قالب خطاب است.

همچنین نظر به این که این خطبه پس از جنگ جمل ایراد شده، به احتمال قوی حضرت آن را ابتدا پس از جنگ جمل در سال ۳۶ هجری بیان فرموده‌اند و سپس همان مطلب را در سال ۳۸ هجری در قالب نامه‌ای پس از اشغال مصر توسط عمروعاص بیان فرموده‌اند (حسینی خطیب، ۱۳۶۷ ش، ۲: ۸۲-۸۳). پس از سیدرضی، بیشتر نویسندگان و علما این خطبه را از نهج البلاغه نقل کرده‌اند.

نقل «تذکره الخواص» به دلیل مشابهت بیشتر با خطبه سیدرضی اهمیت بسیاری دارد، سبط بن جوزی (د ۶۵۴ق) هر دو بخش خطبه را با اندکی اختلاف نقل کرده است: «ذَكَرَ عُلَمَاءُ السَّيْرِ: أَنَّ عَلِيًّا (ع) لَمَّا فَرَعَ مِنَ الْجَمَلِ صَعِدَ مِنْبَرَ الْبَصْرَةِ فَخَطَبَ النَّاسَ وَقَالَ: «إِنَّ النِّسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ نَوَاقِصُ الْحُظُوظِ نَوَاقِصُ الْعُقُولِ أَمَّا نُقْصَانُ إِيْمَانِهِنَّ فَقَعُودُهُنَّ عَنِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ شَطْرَ أَعْمَارِهِنَّ؛ وَأَمَّا نُقْصَانُ حُظُوظِهِنَّ فَمَوَارِيثُهُنَّ عَلَى الْأَنْصَافِ مِنْ مَوَارِيثِ الرِّجَالِ، وَأَمَّا نُقْصَانُ عُقُولِهِنَّ فَشَهَادَةُ امْرَأَتَيْنِ مِنْهُنَّ كَشَهَادَةِ رَجُلٍ وَاحِدٍ، فَاتَّقُوا شِرَارَ النِّسَاءِ وَكُونُوا مِنْ خِيَارِهِنَّ عَلَى حَذَرٍ وَلَا تُطِيعُوهُنَّ فِي مَعْرُوفٍ حَتَّى لَا يَطْمَعَنَّ فِي مُنْكَرٍ» ثُمَّ قَالَ: يَا أَهْلَ الْبَصْرَةِ يَا جُنْدَ الْمَرْأَةِ يَا أَتْبَاعَ كُلِّ نَاعِيٍّ مَأْوَكُمْ رُعَاقٌ، وَدِينُكُمْ نِفَاقٌ، دَعَاكُمْ الشَّيْطَانُ فَأَجَبْتُمْ، وَعَقِرَ فَهَرَبْتُمْ... خَفَّتْ عُقُولُكُمْ، وَسَفِهَتْ أَحْلَامُكُمْ...» (سبط بن جوزی، ۱۴۱۸ق، ۷۹).

فراز افزوده از سبط بن جوزی نسبت به سیدرضی، با بخشی از خطبه ۱۳ و ۱۴ نهج البلاغه مطابقت دارد:

خطبه ۱۳: «وَمِنْ كَلَامٍ لَهُ ع فِي ذِمِّ أَهْلِ الْبَصْرَةِ بَعْدَ وَقْعَةِ الْجَمَلِ «كُنْتُمْ جُنْدَ الْمَرْأَةِ وَأَتْبَاعَ الْبَهِيمَةِ رِعَا فَأَجَبْتُمْ وَعَقِرَ فَهَرَبْتُمْ أَحْلَافُكُمْ دِقَاقٌ وَعَهْدُكُمْ شِقَاقٌ وَدِينُكُمْ نِفَاقٌ...».

خطبه ۱۴: «وَمِنْ كَلَامٍ لَهُ ع فِي مِثْلِ ذَلِكَ «أَرْضُكُمْ قَرِيْبَةٌ مِنَ الْمَاءِ بَعِيْدَةٌ مِنَ السَّمَاءِ خَفَّتْ عُقُولُكُمْ وَسَفِهَتْ حُلُومُكُمْ...» (سیدرضی، بی تا، ۵۵-۵۶).

از ظاهر نقل سبط بن جوزی پیداست فراز سه نقصان و فراز جندالمرأة، فرازهایی از یک خطبه بوده (حسینی خطیب، ۱۳۶۷ش، ۲: ۸۲-۸۳) گویا سیدرضی خطبه ۱۳ و ۱۴ را از یک مصدر و خطبه نواقص را از مصدر دیگری نقل کرده است.

فراز نکوهش اهل بصره در تبعیت از عائشه «يَا أَهْلَ الْبَصْرَةِ وَجُنْدَ الْمَرْأَةِ يَا أَتْبَاعَ الْبَهِيمَةِ...» شهرت بیشتری دارد (ابن قتیبه، ۱۴۱۸ق، ۱: ۳۱۵-۳۱۶؛ ابوحنیفه دینوری، ۱۳۶۸ق، ۱۵۱-۱۵۲؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۳۳۹-۳۴۰؛ ابن عبدربه، ۱۴۰۴ق، ۴: ۱۷۰؛ مسعودی، ۱۴۰۹ق، ۲، ۳۶۸؛ ابن فقیه، ۱۴۱۶ق، ۲۳۸؛ مفید، ۱۴۱۳ق، الجمل، ۴۰۷؛ آبی، ۱۴۲۴ق، ۱: ۲۱۴؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ۷۰۲-۷۰۳؛ قیسی شریشی، ۱۴۲۷ق، ۳: ۴۶۰؛ زمخشری، ۱۴۱۲ق، ۱: ۲۵۳؛ خوارزمی، ۱۴۱۱ق، ۱۸۹؛ حموی، ۱۹۹۵م، ۱: ۴۳۶؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۱۷۱).

ابن میثم فراز «یا جند المرأة...» را با تفصیل بیشتر گزارش کرده (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۳۲، ۲۵۳-۲۵۸ به نقل از ابن میثم، ۱۳۶۲ش، ۳: ۱۵-۱۷). از کنار هم قراردادن عبارات متنوع بخش «جند المرأة...» پیداست این خطبه مفصل به گونه‌های متعدد نقل شده که این امر بیانگر شهرت روایت با طرق متعدد است، هریک از روایان نیز بخش‌هایی از این خطبه را نقل کرده‌اند. وانگهی از شهرت فراز «جند المرأة» و اتصال آن با فراز «سه نقصان» بنابر نقل سبط بن جوزی بعید نیست مورخان و روایان، تمایل چندانی به نقل فراز «سه نقصان» که اشعار به نکوهش عائشه دارد، نداشته‌اند، لذا دست به تقطیع زده‌اند.

وانگهی جنگ یک‌روزه جمل دهم یا نیمه جمادی‌الثانی سال ۳۶ هجری رخ داد و حضرت کمتر از یک‌ماه در بصره بودند و عازم کوفه شدند و در دوازدهم رجب وارد کوفه شدند (دینوری، ۱۳۶۸ش، ۱۴۷ و ۱۵۲؛ مسعودی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۳۶۸؛ مقدسی، بی‌تا، ۵: ۲۱۲؛ طبری، ۱۴۰۷ق، ۴: ۵۴۲؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ۷: ۲۳۸). لذا خطبه‌های حضرت در بصره که سیدرضی نیز در چند خطبه گزارش کرده، پس از جنگ جمل کمتر از یک‌ماه حضور در بصره، ایراد شده است. در بیان نکوهش افرادی از اهل بصره که بیعت خویش با امام علی (ع) را شکستند و از عائشه تبعیت نموده و در جنگ جمل به محاربه با آن امام همام پرداختند، صادر شده است، به ویژه خطبه «سه نقصان در زنان».

حضرت در فراز «حَقَّتْ عُقُولُكُمْ وَ سَفِهَتْ حُلُومُكُمْ» عقول اهل بصره را سبک و سفیهانه دانسته که پیداست این خطبه در مقام نکوهش افرادی است که از عایشه اطاعت کردند و جنگ جمل را علیه آن امام همام برپا کردند.

فراز «فَاتَّقُوا شِرَازَ النَّسَاءِ..» نیز شهرت بیشتری در مصادر روایی داشته است:

- نقل از رسول خدا (ص) (کلینی، ۱۳۶۵ش، ۵: ۵۱۶-۵۱۷).
- نقل از امیرالمؤمنین (ع) (ابن حمدون، ۱۹۹۶م، ۱: ۳۶۰؛ کلینی، ۱۳۶۵ش، ۵: ۵۱۷؛ صدوق، ۱۳۷۶ش، ۳۰۴؛ مفید، الاختصاص، ۲۲۶).
- نقل از امام صادق (ع) (کلینی، ۱۳۶۵ش، ۵: ۵۱۷-۵۱۸؛ ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ۳۶۸).
- از لقمان حکیم (ابوطالب مکی، ۱۴۱۷ق، ۲: ۴۰۰؛ غزالی، بی تا، ۴: ۱۳۹).
- از عمر بن خطاب (جاحظ، ۲۰۰۲م، ۱۹۹؛ ثعالبی، بی تا، ۱۶۵؛ ابن عبدالبر، ۱۹۸۱م، ۳: ۳۳).

- از رسول خدا (ص) خطاب به زنان مبنی بر نقصان عقل و دین آن‌ها (احمد بن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۹: ۲۴۵-۲۴۶ و ۱۴: ۴۴۹؛ دارمی، ۱۴۲۱ق، ۱: ۶۸۳-۶۸۴؛ بخاری، ۱۴۱۰ق، ۱: ۲۱۱؛ مسلم، ۱۴۱۲ق، ۱: ۸۶-۸۷؛ ابوداود، ۱۴۲۰ق، ۴: ۱۹۹۹؛ ترمذی، ۱۴۱۹ق، ۴: ۴۳۶؛ نسائی، ۱۴۱۱ق، ۵: ۴۰۰-۴۰۱؛ ابن ماجه، ۱۴۱۸ق، ۵: ۴۷۹-۴۸۰). شبیه آن در برخی از مصادر امامیه نیز نقل شده است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۳: ۳۹۱؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ۲۰۲).

لذا دیدگاه نوپای بی‌اعتباری خطبه بیشتر در پی گفتمان‌های نوپدید، عدم خوانش دقیق از خطبه و کم‌توجهی به فضای گفتمانی آن بوده، درحالی‌که به لحاظ مصدریابی نقل کلینی، ابن‌رستم و ابن جوزی و نیز شهرت خطبه‌ها و فرازهای موازی با خطبه نقصان صدور آن تقویت می‌گیرد.

۳. بررسی و نقد مهمترین دیدگاه‌ها پیرامون «نواقص العقول»

در این جا به بررسی و نقد مهمترین دیدگاه‌ها پیرامون خطبه نقصان عقل در نهج البلاغه می‌پردازیم:

۳-۱. عدم انتساب به امیرالمؤمنین علی (ع)

از افواه برخی از معاصران گاه عدم انتساب این خطبه به امیرالمؤمنین (ع) شنیده می‌شود. لیکن نظر به مصدریابی خطبه، اعم از رسائل کلینی و ابن‌رستم طبری، همچنین گزارش سبط بن جوزی از «علماء سیر» که دست کم تعدادی از سیره‌نویسان را شامل می‌شود، همچنین تکرار نقل روایت توسط سیدرضی در «خصائص الأئمه»، جلال‌ت قدر سیدرضی، همچنین ظرافت ویژه وی در گزینش و نقل روایت، و نیز اعتبار «نهج البلاغه»، احتمال عدم صدور خطبه از آن امام همام بعید به نظر می‌رسد. به ویژه آن‌که پس از

سیدرضی، این خطبه مورد هجمه نبوده، جز در دوارن معاصر، در واقع انگاره بی اعتباری این خطبه قدمتی ندارد، خوانش‌های غیردقیق از خطبه که گاه از فضای روشن فکری و گفتمان‌های عصری تأثیر گرفته، سبب حکم به عدم انتساب این خطبه به امیر مؤمنان گشته است.

۲-۳. در نکوهش عایشه پس از جنگ جمل

برخی اندیشمندان این خطبه را ناظر به نکوهش عائشه دانسته‌اند. به گفته ابن ابی الحدید این فصل همه‌اش اشاره به عائشه است و معتزلیان اتفاق دارند عائشه در قیامش بر امام راه خطا رفت ... (ابن ابی الحدید، ۱۴۳۰ق، ۶: ۲۱۴). به گفته ابن میثم: «لَمَّا كَانَتْ تَلْكَ الْحَرْبُ مِنَ الْوَقَائِعِ الْكِبَارِ وَالْفِتَنِ الْعَظِيمَةِ فِي الْإِسْلَامِ الْمُشْتَمَلَةِ عَلَى هَلَاكِ جَمْعٍ عَظِيمٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ مَنْسُوبَةً إِلَى رَأْيِ امْرَأَةٍ. أَرَادَ أَنْ يَنْبَهَ عَلَى وَجْهِ نَقْصَانِ النِّسَاءِ وَ اسْبَابِهِ، لِيَتَجَنَّبَ مُتَابَعَتَهُنَّ وَ لِذَلِكَ حَدَّرَ بَعْدَهُ مِنْ شَرَارِهِنَّ وَ أَمَرَ بِالْكَوْنِ مَعَ خِيَارِهِنَّ عَلَى الْحَدَرِ...» (ابن میثم، ۱۳۶۶ش، ۱۸۸).

لیکن گفتنی است:

- سه ویژگی اختصاصی به عایشه ندارد و وجه استدلال در خطبه عموم یا بیشتر زنان را شامل می‌شود.
- اگرچه تقارن زمانی صدور خطبه با فراغت از جنگ جمل احتمال نکوهش عایشه را تقویت می‌کند لیکن این دیدگاه از جامعیت کافی به منظور تبیین چرایی این فرازها برخوردار نیست.
- اگر بیانگر نکوهش عایشه باشد، به دلیل برخوردار بودن وی از سه ویژگی تکوینی و تشریحی در زنان نیست، بلکه نکوهش تلویحی وی به دلیل جنگ افروزی و محاربه با امام معصوم است.

۳-۳. نقصان، در مقام بیان تفاوت‌های زن با مرد

برخی بر این باورند امیرالمؤمنین (ع) در صدد بیان تفاوت‌های زن و مرد بوده‌اند؛ لذا منظور از نقصان را تفاوت دانسته‌اند (دستی، ۱۳۸۴ش، ۹۰). مردان که عقل بیشتر دارند مطلب را بیشتر درک می‌کنند. وظیفه زنان در کار عالم با مردان فرق می‌کند. ظاهراً جریان عائشه باعث شده که امام آن تفاوت در خلقت را مطرح فرماید. از نظر خلقت، عقل مردان از زنان زیادتر و عاطفه زنان از مردان بیشتر می‌باشد (قرشی، ۱۳۷۷ش، ۲: ۱۰۳۴-۱۰۳۶).

ابن میثم نقص عقل زنان را ناشی از دو سبب می‌داند: سبب درونی که کم استعدادی مزاج زن و ناتوانی او از پذیرش تصرف عقل است. برخلاف مرد که مزاجش پذیرای آن است، سبب خارجی که کمی معاشرت زنان است با اهل خرد و کم کاری آنان در عادت دادن قوای خویش به پابندی به قوانین عقلی در تدبیر امر معاش و معاد (ابن میثم، ۱۳۶۲ ش، ۲: ۲۲۴). خداوند زن را برای شؤن منزل آفریده است میان اداره خانه، بارداری و ولادت و به تبع همین عاطفه‌ای قوی در زن قرار داده تا به امور منزل و فرزندان بپردازد و همان میزان قوت عاطفه، از قوت عقلی کمتری نسبت به مردان برخوردار است (حسینی شیرازی، بی تا، ۱: ۳۰۳).

تفاوت خلقت زن و مرد مقوله‌ای جداست، اما این دیدگاه با فضای صدور خطبه پس از جنگ جمل هم‌خوانی ندارد. پس از وقوع فتنه جمل و انحراف بسیاری از صحابه و تابعین و محاربه با امام معصوم، سخن از تفاوت ویژگی‌های زن و مرد با فضای فتنه‌انگیز غبارآلود تناسب معنایی ندارد.

۳-۴. در مذمت و نکوهش زنان به دلیل سه نقصان

برخی معتقدند این خطبه در نکوهش زنان صادر شده، از جمله سیدرضی نظر به عنوانی که برای آن در نظر گرفته است: «وَمِنْ حُطْبَةٍ لَهُ بَعْدَ فَرَاغِهِ مِنْ حَرْبِ الْجَمَلِ فِي ذِمِّ النَّسَاءِ بَيَّانَ نَقْصِهِنَّ» (سیدرضی، بی تا، ۱۰۵-۱۰۶).

به گفته برخی شارحان، نقصان ایمان زنان به سبب دست شستن از نماز در ایام حیض و نفاس است، چنان‌که ورود به مساجد و قرائت عزائم که در کمال ایمان مدخلیت دارند، بر آنان جایز نیست. آنان هرچند قضای روزه‌های از دست رفته را بجا می‌آورند، اما از فضیلت رمضان محروم می‌شوند. نماز از دست رفته هم که قضا ندارد» (شوشتری، ۱۳۷۶ ش، ۱۴: ۳۲۰).

در نقد این دیدگاه چنین به نظر می‌رسد: نکوهش وقتی رواست که شخص با اختیار و انتخاب خویش کار ناشایستی انجام دهد، در غیر این صورت نکوهش از اساس معقول، منطقی و روا نیست، لذا در این‌جا نکوهش زنان دو اشکال دارد:

- زنان طبق امر و اراده الهی وضعیت نمازشان در ایام خاص، و نیز شهادت و میزان ارشان این‌گونه است، کاری نکرده‌اند که نکوهش شوند، به بیان دیگر در مورد ارث، نماز و شهادت اصلاً نمی‌توان زن را نکوهش کرد. بلکه از آن‌رو که این سه امر الهی را امثال می‌کنند، طبعاً اجر امثال دارند.

- اشکال به زنان به دلیل سه ویژگی که به امر و حکمت الهی بوده، اشکال به خداست و اصلا روا نیست.

همچنین نقص بر دو نوع است:

اول: نقص به معنی کمبود که باید باشد و چون نیست:

- گاه عیب است (مانند نوزاد ناقص الخلقه که در نظر عرف نوعی نقص و عیب است).

- گاه نه تنها عیب نیست بلکه سند افتخار در پیشگاه خداست مانند نقص عضو، به دلیل جانبازی در جهاد.

دوم: نقصی که عیب نیست بلکه لازمه خلقت و شرط صحت، سلامت، کمال، جمال و زیبایی آن چیز است، چه بسا مجازا بر آن نقص اطلاق شود، مانند مقایسه صدای مرد با زن که کما و کیفا متفاوت است، همچنین قدرت زن در مقایسه با قدرت مرد.

- لذا لزوما هر نقص و کمبودی عیب نیست بلکه برخی از نقص‌ها، لازمه صحت، کمال، جمال و سلامت آن چیز است و این امر از تدبیر حکیمانه و عادلانه خداوند نشأت گرفته، به ویژه آن‌که وضعیت زنان در نماز و روزه، دستور الهی است و طبعاً امتثال از آن اجر دارد، نسبت به زنان نقصی نیست (چنانچه دختری در دوران بلوغ، حالت قاعدگی نداشته باشد و یا خانمی در سنینی که توان بارداری دارد، دچار یائسگی زودرس شود، نشان از عدم سلامت جسمی دارد و هر دو مورد نقص است و هر دو نیاز به درمان دارند)، ولی در مقایسه با مردان در نظر برخی چنین جلوه می‌کند که نقص است.

لذا خلقت فی نفسه زنان، نقص به معنی نقص حقیقی به معنای عیب در نظام خلقت زن نیست. به دلالتی چون:

- به استناد «فَتَبَارَكُ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» انسان اعم از مرد و زن فی نفسه، از احسن مخلوقات است و در دنیا مسیر سعادت و کمال را در کنار یکدیگر طی کنند. وانگهی از تعبیر «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» می‌توان به نقش «پوشش دهی و کامل کننده گی هریک از زوجین نسبت به یکدیگر در رسیدن به کمال و سعادت دنیوی و اخروی» اشاره کرد.

- همچنین آیه «... مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ» (الملک: ۳). بنابر تفسیر فطور به عیب، نقص و خلل (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ۸: ۱۹۷). انسان اعم از مرد و زن از مصادیق «خلق الرحمن» هستند.

لذا برخلاف تصور سیدرضی و بسیاری از اندیشمندان، امام علی (ع) در این خطبه در مقام نکوهش زنان نبوده‌اند (نک: سطور آتی دیدگاه برگزیده).

۴. دیدگاه برگزیده در خصوص «نواقص العقول»

مصدریابی و بازخوانی خطبه بر پایه فضای گفتمانی و جنبه‌های صدور نشان می‌دهد حضرت در مقام نکوهش افرادی هستند که از عائشه در محاربه با امام اطاعت کردند و از آن جا که محور و رکن اصلی جنگ عائشه بود، حضرت به شیوه نوینی با کاربست نقصان در توصیف زنان بر پایه استعاره‌های لطیف ادبی در بازخوانی از برخی حقائق و یا بر پایه نگرش عرفی، خواستند وجدان نهفته آن محارب‌ان را بیدار نموده و به اشتباه بزرگ خویش واقف گردانند. وانگهی به صورت تلویحی عایشه نیز نکوهش شود نه به دلیل برخورداری از سه ویژگی زنان بلکه به دلیل محاربه و جنگ‌افروزی.

دیدگاه برگزیده به تفصیل بیان می‌شود:

۴-۱. ظهور تفاوت در مقام مقایسه زن با مرد

برخی شهادت زن «فَرَجُلٌ وَ أَمْرَأَتَانِ» را در اثر کثرت عاطفه زن و تعقل مرد دانسته‌اند، پس «نَاقِصَاتُ الْعُقُولِ» امری طبیعی است «نَاقِصَاتُ الْإِيمَانِ» نیز در جای خود واقع است، چون آن حضرت عمل را جزء ایمان محسوب فرموده، در این صورت عمل زنان کمتر از مردان است، این جریان که یک دستور خدائی است نسبت به زنان نقصی نیست ولی در مقایسه با مردان چنین جلوه می‌کند (قرشی، ۱۳۷۷ش، ۲: ۱۰۳۴-۱۰۳۶).

در مقام مقایسه، دو چیزی که در عرض یکدیگرند با یکدیگر مقایسه می‌شوند، مانند مقایسه یک مرد با مرد دیگر، یا مقایسه یک زن با زن دیگر، مگر این که به ضرورت، محذوریت یا غرض خاصی مرد با زن مقایسه شود که در این صورت برخی از تفاوت‌های طبیعی و تکوینی پدیدار می‌گردد.

بر این اساس:

- سهم ارث زنان، از حیث زن بودن و از حیث مقایسه سهم ارث یک زن با زن دیگر، فی نفسه نقصی ندارد، بلکه یک سهم محسوب می‌شود و از اساس در تدبیر الهی همین مقدار وضع شده است، اما در مقایسه با سهم مرد، نصفه و ناقص جلوه می‌کند. شاید سر تعبیر «فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ مِثْلِ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» همین باشد، گویی سهم «انثی» را یک سهم کامل تلقی کرده و سهم مرد را دو برابر سهم زن برشمرده است، لذا شائبه نقصان حقیقی با فراز «فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ مِثْلِ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» به ذهن خطور نمی‌کند. اما با عباراتی چون «لِلْأُنثَى نِصْفُ حَظِّ الذَّكَرِ»، یا «حَظُّ الْأُنثَى نِصْفُ حَظِّ الرَّجُلِ» شائبه نقصان به ذهن خطور می‌کند. البته به لحاظ عددی ثمره هر دو عبارت در مقام عمل یک چیز است اما با

نحوه بیان قرآنی، شائبه نقصان به ذهن خطور نمی‌کند. چنان‌که معصومان (ع) سهم ارث زن را یک سهم و سهم مرد را دو سهم دانسته‌اند.

ابن‌ابی‌العوجاء گوید: «مَا بَالُ الْمَرْأَةِ الْمُسْكِينَةِ الضَّعِيفَةِ تَأْخُذُ سَهْمًا وَاحِدًا وَ يَأْخُذُ الرَّجُلُ سَهْمَيْنِ» امام صادق (ع) فرمود: إِنَّ الْمَرْأَةَ لَيْسَ عَلَيْهَا جِهَادٌ وَلَا نَفَقَةٌ وَلَا مَعْقَلَةٌ وَ إِنَّمَا ذَلِكَ عَلَى الرَّجَالِ وَ لِذَلِكَ جَعَلَ لِلْمَرْأَةِ سَهْمًا وَاحِدًا وَ لِلرَّجُلِ سَهْمَيْنِ (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ۷: ۸۵؛ طوسی، ۱۳۶۵ ش، ۹: ۲۷۵ و نک: کلینی، ۱۳۶۵ ش، ۷: ۸۵؛ طوسی، ۱۳۶۵ ش، ۹: ۲۷۴-۲۷۵).

- در نگاه عرف، غالباً شائبه نقصان خطور می‌کند، که سهم زن نصف سهم مرد است. لذا فراز «نَوَاقِصُ الْحُظُوظِ» در صورت ثبوت انتساب به امیرالمؤمنین (ع) یا بر نگاه و برداشت عرفی حمل می‌شود به منظور غرض خاصی که همان بیداری وجدان «محاربان جنگ افروز مطیع عایشه در جنگ جمل» است یا بر تعبیر استعاری مجازی حمل می‌شود به منظور غرض خاصی که همان بیداری وجدان آن محاربان جنگ افروز مطیع عایشه است.

۴-۲. ارتباط با روان‌شناسی زن و مرد

میزان برخورداری مرد و زن از عقل و احساس به لحاظ خلقت یکسان و متناسب با نوع خلقت و نقش آن دو است. اما بر اساس تدبیر الهی در مواجهه با مسائل گوناگون؛

- در مردها معمولاً یا غالباً، ابتدا قوه عاقله بکار می‌افتد و تحلیل عقلی می‌کنند چه بسا اصلاً به عنصر احساسات نروند مگر این‌که خود متذکر شوند و یا به آن‌ها تذکر داده شود.

- در زنان معمولاً یا غالباً ابتدا قوه احساسات و عواطف بکار می‌افتد و نگاه و تحلیل احساسی و عاطفی ارائه می‌شود البته پس از آن یا در کنارش می‌شود قوه عاقله را بکار بیاندازد حال چه خودش متوجه بشود و یا دیگران متوجهش کنند که نگرش عقلی نیز داشته باشد.

بعید نیست که عقل و احساس به یک میزان در مرد و زن باشد، اما تفاوت آن‌جاست که اول کدام‌یک به کار می‌افتد و سپس کدام‌یک بر دیگری غالب می‌شود. مراد از احساس (حالاتی اعم از عاطفه، مهر و محبت، دل‌رحمی، خشونت، بدبینی، کینه جویی، عداوت و حسادت و ...).

۳-۴. نکوهش زنان یا نکوهش جنگ افروزان مطیع عائشه در محاربه با امام (ع)

زمینه صدور خطبه و سایر بیانات حضرت در بصره یا در یادکردی از ماجرای جنگ جمل نشان می‌دهد حضرت در این فراز به صورت مستقیم در مقام نکوهش افرادی بودند که در اطاعت از عایشه جنگ جمل را به وجود آوردند.

مذمت موردی محاربان مطیع عایشه، منافاتی با فراز «فَاتَّقُوا شِرَارَ النِّسَاءِ» ندارد، زیرا حضرت خواستند یک نتیجه کلی ارائه دهند که برای همه مردان مناسب است. حضرت جوهره مردانگی و غیرت به خواب رفته آن مردان جنگ افروز، در پیروی کورکورانه از عایشه را بیدار ساختند که هرگز دست به فتنه‌ها و اقدامات شوم دیگر نزنند خصوصاً این‌که به گواه تاریخ، وی فتنه‌های دیگری را پس از جمل رقم زد. در این فراز به صورت تلویحی، مذمت عایشه نیز برداشت می‌شود، البته نه به دلیل برخورداری از سه ویژگی به تدبیر و دستور الهی بلکه به دلیل جنگ افروزی.

- مؤید احتمال توییح محاربان مطیع عایشه، فراز زیر در نکوهش و توییح افرادی است که در ماجرای جمل از عایشه اطاعت نمودند و جنگ جمل را آفریدند:

«وَمِنْ كَلَامٍ لَهُ ع فِي ذَمِّ أَهْلِ الْبُصْرَةِ بَعْدَ وَقْعَةِ الْجَمَلِ» «كُنْتُمْ جُنْدَ الْمَرْأَةِ وَ اتَّبَعَ الْبَهِيمَةَ رَغَا فَأَجَبْتُمْ وَ عَقِرَ فَهَرَبْتُمْ أَخْلَاقُكُمْ دِقَاقٌ وَ عَهْدُكُمْ شِقَاقٌ وَ دِينُكُمْ نِفَاقٌ...» (سیدرضی، بی تا، ۵۶). عمق فراز «كُنْتُمْ جُنْدَ الْمَرْأَةِ» را مردانی می‌فهمند که از عایشه اطاعت کردند، به ویژه آن‌که هنوز از نگرش‌های جاهلی چندان فاصله نگرفته‌اند.

- مؤید دیگر فراز پایانی است: «فَاتَّقُوا شِرَارَ النِّسَاءِ وَ كُونُوا مِنْ خِيَارِهِنَّ عَلَى حَذَرٍ...» مخاطب حضرت، عموم محاربان مطیع عائشه بودند. گویی حضرت، مردان را بر حذر می‌دارند که از زنان بد همیشه خویشتن را حفظ نمایند و حتی از زنان خوب نیز بر حذر باشند. در واقع فراز پایانی که بحث اطاعت از زنان است با مقام مذکور هم خوانی دارد زیرا جنگ جمل در پی اطاعت دسته‌ای از مردان از یک زن صورت گرفت لذا حضرت مردان را از وقوع دوباره چنین اطاعتی بر حذر می‌دارند، خصوصاً اینکه از عایشه انتظار فتنه‌های بعدی نیز می‌رفت.

۴-۴. حکمت تعبیر به نقصان / تعبیر مجازی یا هم‌زبانی به منظور چیدن مقدمه

استدلال

در بکارگیری اصطلاح نقصان در خطبه، دیدگاه‌های زیر متصور است:

* دیدگاه اول: از باب نقصان به معنای تعبیر استعاری مجازی (که مشتمل بر سه احتمال است).

- احتمال نخست: کار بست نقصان بر پایه بیان استعاری نظر به ظهور تفاوت زن با مرد در مقام مقایسه در سه مقوله ایمان، عقل و ارث که بیان آن گذشت.

- احتمال دوم: معمولاً در زنان احساسات و در مردها عقل بر قوه دیگر غلبه می‌کند، لذا می‌توان در یک تعبیر مجازی از این امر به نقص یاد کرد. گویی این نقص وجود دارد در حالی که وجود ندارد (تفاوت در این که قوای احساسی اول به کار می‌افتد یا قوه عقلی و سپس کدام یک بر دیگری غلبه می‌کند).

- احتمال سوم: بازتعبیر استعاری و مجازی لطیفی از فراز «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» (نک: ادامه نوشتار).

* دیدگاه دوم: بکارگیری تعبیر نقصان، از باب هم‌زبانی و هم‌راهی با مردم و جاری کردن معتقدات و نگرش آن‌ها بر زبان بی‌آن‌که به آن باور داشته باشد و از آن نگرش و معتقدات به عنوان صغرای استدلال استفاده شود به منظور یک مطلب صحیح دیگر که واقف نمودن آن محاربان به اشتباه بزرگ در اقامه جنگ جمل از راه بیدار ساختن وجدان نهفته آن‌هاست که طبعاً تأثیر عمیقی دارد.

- مانند هم‌راهی و هم‌زبانی حضرت ابراهیم (ع) به رب بودن خورشید، ماه و ستاره که صرفاً در حد زبانی بود نه باور قلبی، سپس با افول هریک، ربوبیت اجرام ثلاثه را باطل اعلام کرد و ربوبیت خداوند را مطرح کرد. بیان «هَذَا رَبِّي» از ناحیه ابراهیم (ع) در اثبات توحید در برابر ستاره پرستان، ماه پرستان و خورشید پرستان، از باب تسلیم و به زبان خصم و دشمن حرف زدن است، وی در ظاهر خود را یکی از آنان شمرده و عقاید خرافی آنان را صحیح فرض نموده سپس با بیانی مستدل، فساد آن را ثابت کرد. این نحو احتجاج، بهترین راهست که می‌تواند انصاف خصم را جلب کرد و از طغیان و تعصب او جلوگیری نماید و او را برای شنیدن حرف حق آماده سازد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۷: ۱۷۷).

امیرالمؤمنین (ع) نیز یک مطلب حق را در مورد ویژگی‌های زن بیان فرمودند با بیانی مجازی و یا به تعبیری با آمیزه نوع نگاه غالب به این مقوله که گویی نقص است، که نقص را اثبات نکنند بلکه از این نوع نگاه، غیرت‌ها را بیدار کنند و جنگ افروزان جمل را به شدت توبیخ کنند که با اطاعت از یک زن به جنگ افروزی و محاربه با امام پرداخته‌اند.

۴-۵. بازخوانی آیه شهادت دو زن

فراز نقصان عقل متناظر با آیه «فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ

الشُّهَدَاءُ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى...» است، لذا بازخوانی آیه شریفه نشانگر یک بازتعبیر استعاری و مجازی لطیفی از این فراز قرآنی است.

اگر یکی از خانم‌ها به هر دلیلی از مسیر شهادت، به بیراهه رفت (فراموش کرد یا ترسید، دلسوزی نمود، و یا گمراه و یا تطمیع شد و یا اتفاقات دیگر) ... زن دیگر به او تذکر دهد و او را به شهادت صحیح رهنمون سازد. البته احتمال لغزش در شهادت، در مردان نیز هست اما معمولاً کمتر است، به هر روی یک شهادت مرد هم کافی نیست، لزوم شهادت یک مرد در کنار شهادت مرد دیگر و یا شهادت دو خانم در کنار شهادت یک مرد برای همین است که احتمال وقوع لغزش و خطا را بگیرد و یا ضریب خطا در شهادت را به حداقل برساند.

در بدو امر به نظر می‌رسد وجود دو زن به جای یک مرد در شهادت، به دلیل نقصان عقلی هریک از دو زن باشد، اما قرآن کریم دلیل ذکر دو زن را پیشگیری از وقوع لغزش و خطا از ناحیه یکی از آن دو زن ذکر می‌کند. به بیان دیگر فلسفه وجود دو زن برای شهادت این نیست که ارزش شهادت هر زن نصف مرد باشد که دو شهادت نصفه، یک شهادت کامل تلقی شود و ارزش عقلانی زنان نصف مردان تصور شود. خیر، قرآن کریم فلسفه این حکم را چنین می‌داند که اگر یکی از دو زن خواسته یا ناخواسته دچار گمراهی یا لغزش و فراموشی در شهادت دادن شد، زن دوم حقیقت را به زن دیگر یادآور شود و او را در شهادت به حق یادآوری و یاری کند.

این شیوه از بیان امام علی (ع) یک نوع بازتعبیر آیه شریفه در قالبی نوین است، بازتعبیری استعاری مجازی از فراز «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» به منظور حربه و تلنگری برای عموم محاربین مطیع عایشه در جنگ جمل و بیدار کردن وجدان و غیرت نهفته آن‌ها.

۴-۶. وضعیت علمی و فرهنگی زنان در آن دوران

افراد با سواد که سواد خواندن و نوشتن داشته باشند کم بودند. زنان در عرصه‌های اجتماعی غالباً حضور نداشتند لذا طبعاً از تجربه معیشتی، سیاسی، اقتصادی چندانیتی برخوردار نبودند.

منظور نه عقل فهم و درک حقیقت که عقل معیشتی و تدبیر و تجربه است که در آن زمان معمولاً زنان در نوع دوم نسبت به مردها کمتر داشتند البته انتظاری از زن نیست که خیلی از امور اجتماع را تجربه کند. زنان به لحاظ عقل فهم و درک حقیقت، با آقایان

یکسان هستند. دختران معمولاً به لحاظ شرعی حدود ۶ سال زودتر از پسران مکلف می‌شوند، گویا به لحاظ عقلی و منطقی چند سال زودتر از آقایان به این درک می‌رسند که پذیرای اسلام باشند.

۴-۷. توجه به سایر بیانات امام در توصیف زنان

امام علی (ع) در موارد متعدد به جایگاه زنان و بایسته‌های رفتاری در برخورد با ایشان نکاتی فرموده‌اند که لازم است در کنار سایر عبارات نگریسته شود:

«وَلَا تُمَلِّكِ الْمَرْأَةَ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رَيْحَانَةٌ وَلَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ وَلَا تَعُدُّ بِكَرَامَتِهَا نَفْسَهَا» (سیدرضی، بی‌تا، ۴۰۵).

«فَسَأَلَ عَلِيًّا كَيْفَ وَجَدْتَ أَهْلَكَ قَالَ نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَيَّ طَاعَةَ اللَّهِ وَ سَأَلَ فَاطِمَةَ فَقَالَتْ خَيْرَ بَعْلِ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ۳: ۳۵۶). چنان‌که وجود زنان برخوردار از عقل و برخی از زنان نیک روزگار همچون حضرت زهرا و حضرت زینب، حضرت مریم، مادران اهل بیت (ع) همگی نمونه‌هایی از زنان نیک روزگار بودند.

در خصوص جنبه صدوری «ضعیفات العقول» در نهج البلاغه؛ «... دشمن چون به اذن حق پای به هزیمت نهاد فراری را به قتل نرسانید، و ناتوان را آسیب نزنید، زخمی را نکشید، و زنان را با آزدن به هیجان نیاورید گرچه متعرض آبروی شما شوند، یا به بزرگان‌تان ناسزا گویند، «فَإِنَّهُنَّ ضَعِيفَاتُ الْقَوَى وَالْأَنْفُسِ وَالْعُقُولِ» زیرا توان، جان و عقلشان ضعیف است...» (سیدرضی، بی‌تا، ۳۷۳؛ نصرین مزاحم، ۲۰۴؛ کلینی، ۱۳۶۵ش، ۵: ۳۹؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ۵: ۱۱؛ مسکویه، ۱۳۷۹ق، ۱: ۵۱۸؛ زمخشری، ۱۴۱۲ق، ۵: ۲۵۱؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ۳: ۲۹۳).

این فراز درباره زنان ساکن در همان مناطق درگیری که در تصاحب لشکریان شام بودند، یا زنان هم‌فکر و یا همراه با لشکر معاویه پیش از جنگ صفین صادر شده است. وانگهی مرد با مرد و زن با زن مقایسه می‌شود، مگر به دلیل ضرورت یا غرض خاص، لذا فراز «فَإِنَّهُنَّ ضَعِيفَاتُ الْقَوَى وَالْأَنْفُسِ وَالْعُقُولِ» به دلیل ضرورت یا غرض خاصی از امام صادر شده، گویا در بیان وجه تعلیل برای آزار نرساندن به زنان که امر ناهنجاری است. پیداست فراز «سه نقصان در زنان» در فضای مربوط به جنگ جمل و فراز «ضعیفات ... العقول» در فضای جنگ صفین، صادر شده.

دیدگاه علامه مجلسی «الْعَرَضُ ذَمُّ عَائِشَةَ وَ تَوْبِيخُ مَنْ تَبِعَهَا وَ إِرْشَادِ النَّاسِ إِلَى تَرْكِ طَاعَةِ النَّسَاءِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۳۲: ۲۴۸) به دیدگاه برگزیده نزدیکتر از سایر

دیدگاه‌هاست. لیکن به تفصیل به بیان و چرایی تعبیر ظریف «نقصان» نپرداخته و ارتباط آن با آیه شهادت زنان را مورد بررسی قرار نداده‌اند و نقص مذکور را حقیقی انگاشته‌اند و به جنبه استعاری و ارتباط قرآنی و ابعاد آن نیز اشاره نکرده‌اند.

۵. نتیجه‌گیری

۱- دیدگاه نوپای بی‌اعتباری خطبه بیشتر در پی گفتمان‌های نوپدید، عدم خوانش دقیق از خطبه و کم‌توجهی به فضای گفتمانی آن بوده، زیرا خطبه‌های حضرت در بصره که سیدرضی در چند خطبه گزارش کرده، پس از جنگ جمل در حدود سه هفته که حضرت آن‌جا بودند، در نکوهش جنگ‌افروزان جمل ایراد شده است. به لحاظ مصدریابی نیز فراز سه نوع نقصان، ضمن نامه‌ای از ابن‌رستم به طریق شعبی از شریح بن هانی و همچنین توسط ابن‌طاوس از «رسائل کلینی» به اسناد علی بن ابراهیم، از دو مصدر متفاوت نقل شده که به دلیل عدم «فَاتَّقُوا شَرَّ النَّسَاءِ...» در نامه و سیاق غیاب آن در تمایز با خطاب در خطبه، سیدرضی خطبه را از نامه مذکور نقل نکرده است. از ظاهر نقل سبط بن جوزی پیداست فراز سه نقصان و فراز جنود المرأه، فرازهایی از یک خطبه بوده، لیکن مورخان گویا تمایلی به نقل فراز «سه نقصان» که اشعار به نکوهش عائشه دارد، نداشته‌اند لذا دست به تقطیع زده‌اند. لذا نظر به نقل ابن‌رستم، ابن‌طاوس، کلینی و علی بن ابراهیم، و نقل ابن‌جوزی و نیز شهرت خطبه‌ها و فرازهای موازی با خطبه نقصان، صدور آن تقویت می‌گیرد.

۲- در نقد دیدگاه نکوهش زنان گفتمانی است نکوهش وقتی رواست که شخص با اختیار و انتخاب خویش کار ناشایستی انجام دهد، جز این، نکوهش معقول و روا نیست، لیکن این‌جا نکوهش زنان دو اشکال دارد: زنان که طبق امر الهی وضعیت عبادتشان در ایام خاص، و نیز شهادت و میزان ارشادشان چنین است، کار ناشایستی نکرده‌اند که نکوهش شوند. بلکه از آن‌رو که این سه امر الهی سرشار از رحمت و حکمت الهی را امثال می‌کنند، اجر امثال دارند. وانگهی اشکال به زنان به دلیل این سه مقوله تکوینی و تشریحی که به امر و حکمت الهی بوده، اشکال به خداست، و اصلاً روا نیست.

۳- نقص دو نوع است: اول: نقص به معنی کمبود که باید باشد و چون نیست. در برخی موارد عیب و گاه عیب محسوب نمی‌شود، دوم: نقصی که عیب نیست بلکه لازمه خلقت و شرط صحت، سلامت، کمال و جمال آن چیز است، چه بسا مجازاً بر آن نقص اطلاق شود، لذا هر نقص و کمبودی عیب نیست بلکه برخی از نقص‌ها، لازمه صحت،

کمال، جمال و سلامت آن چیز است. این تدبیر حکیمانه و عادلانه در اصل خلقت و نظام تکوین مرد و زن و استمرار آن در پیشبرد زیبای خلقت، برقراری انس، مودت و رحمت بین زوجین، پیشبرد نظام مقدس خانواده و دوام نسل بشریت است.

۴- در بکارگیری اصطلاح نقصان در این خطبه، دیدگاه‌های زیر متصور است:

* دیدگاه اول: از باب نقصان به معنای تعبیر استعاری مجازی که مشتمل بر سه احتمال است:

- احتمال نخست: کار بست نقصان بر پایه بیان استعاری نظر به ظهور تفاوت زن با مرد در سه مقوله ایمان، عقل و ارث. در مقایسه زن با زن نقص حقیقی و تکوینی وجود ندارد، لذا خلقت فی نفسه زنان، نقص به معنی نقص حقیقی به معنای عیب در نظام خلقت زن نیست. اما در مقایسه زنان با مردان نقص می‌نماید به صورت مجاز که از این محمل در راستای توییح مردان جنگ افروز در جنگ جمل در اطاعت از یک زن با ظرافت خاصی استفاده شده است.

- احتمال دوم: به لحاظ روانشناسی زن و مرد، چون معمولاً در خانم‌ها احساسات و در مردها عقل بر قوه دیگر غلبه می‌کند، می‌توان در یک تعبیر مجازی از این امر به نقص یاد کرد. در حالی که نقصی وجود ندارد. تفاوت در این است که قوای احساسی اول به کار می‌افتد یا قوه عقلی و سپس کدام یک بر دیگری غلبه می‌کند.

- احتمال سوم: بازتعبیر استعاری و مجازی لطیفی از فراز «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى».

با لحاظ نمودن نقص بر پایه سه احتمال تعبیر مجازی و استعاری، بی‌آن که نقص حقیقی به زنان نسبت داده شود، می‌توان نظر به نگرش مخاطبان که جنگ افروزان «جند المرأة» بودند و هنوز از نگرش‌های عربی فاصله نگرفته بودند، از باب اطاعت از زن آنان را طوری توییح نمود که از اقدام به محاربه در جمل نادم شوند و از فتنه محتمل بعدی نیز خودداری ورزند.

* دیدگاه دوم: کار بست نقصان، از باب هم‌زبانی و هم‌راهی با مردم و جاری کردن معتقدات و نگرش آن‌ها بر زبان بی‌آن که به معتقدات آن‌ها باور داشته باشد. از آن نگرش و معتقدات به عنوان صغرای استدلال استفاده شود به منظور واقف نمودن جنگ افروزان مطیع عایشه به اشتباه بزرگ خویش در اقامه جنگ جمل و توییح آن‌ها از راه بیدار ساختن وجدان نهفته آن‌هاست و به منظور پیش‌گیری از فتنه‌های بعدی است.

۵- در نگاه اول به آیه شهادت دوزن، به نظر می‌رسد وجود دوزن به جای یک مرد،

به دلیل نقصان عقلی هریک از دو زن باشد، اما قرآن کریم دلیل آن را پیش‌گیری از وقوع لغزش و خطا از ناحیه یکی از آن دو زن ذکر می‌کند. این شیوه از بیان امام علی (ع) یک نوع بازتعبیر آیه شریفه در قالبی جدید است، بازتعبیری استعاری و مجازی لطیفی از فراز «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» است، به منظور تلنگری برای محارببان مطیع عایشه در جنگ جمل و بیدار کردن وجدان و غیرت نهفته آن‌ها.

دسترسی به داده‌ها

داده‌های تولیدشده در این پژوهش در متن مقاله ارائه شده است.

تضاد منافع نویسندگان

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

منابع

- قرآن کریم.
- آبی، منصور بن حسین، نثر الدر فی المحاضرات، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، بیروت، علمی، ۱۴۳۰ق.
- ابن اثیر، علی بن ابی‌الکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق.
- ابن حمدون، محمد بن حسن، التذکرۃ الحمدونیة، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۶م.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب (ع)، قم، علامه، ۱۳۷۹ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، کشف المحجۃ لثمرۃ المهجۃ، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۵ش.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، بهجة المجالس و أنس المجالس، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۹۸۱م.
- ابن عبدربه، أحمد بن محمد، العقد الفرید، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۴ق.
- ابن فقیه، احمد بن محمد، کتاب البلدان، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۶ق.
- ابن قتیبہ دینوری، عبدالله بن مسلم، عیون الأخبار، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایة و النهایة، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ق.
- ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، لبنان، دارالجمیل، ۱۴۱۸ق.
- ابن میثم بحرانی، میثم بن علی، اختیار مصباح السالکین، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶ش.
- ابن میثم بحرانی، میثم بن علی، شرح نهج البلاغه، قم، دفتر نشر کتاب، ۱۳۶۲ش.
- ابوداود، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، قاهره، دارالحدیث، ۱۴۲۰ق.

- ابوطالب مکی، محمدبن علی، قوت القلوب فی معامله المحبوب، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.
 احمدبن حنبل، مسند احمدبن حنبل، لبنان، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۶ق.
 امینی، سیده زهرا، و حسن ابراهیمی. "عقل زنان از منظر نهج البلاغه". کتاب و سنت، ۱(۱۳۹۲ش): ۳۳-۵۰.
 بخاری، محمدبن اسماعیل، صحیح البخاری، قاهره، وزارة الأوقاف، ۱۴۱۰ق.
 پورمولای، سید محمد هاشم، و حسین افسردیر. "معناشناسی «عقل» در روایات «إنّ النساء نواقص العقول»".
 پژوهشنامه علوی ۵، ۲(۱۳۹۳ش): ۱۹-۴۸.
 ترمذی، محمدبن عیسی، سنن الترمذی، قاهره، دارالحديث، ۱۴۱۹ق.
 ثعالبی، عبدالملک بن محمد، اللطائف و الظرائف، بیروت، دارالمناهل، بی تا.
 جاحظ، عمرو بن بحر، المحاسن و الأضداد، بیروت، دار و مكتبة الهلال، ۲۰۰۲م.
 حسینی خطیب، سید عبدالزهراء، مصادر نهج البلاغة و أسانیده، بیروت، دارالزهراء، ۱۳۶۷ش.
 حسینی شیرازی، سید محمد، توضیح نهج البلاغة، تهران، دارتراث الشیعة، بی تا.
 حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م.
 خوارزمی، موفق بن احمد، المناقب، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۱ق.
 دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، ریاض، دارالمغنی، ۱۴۲۱ق.
 دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم، مشهور، ۱۳۸۴ش.
 دیاری بیدگلی، محمدتقی، و اسمر جعفری. "روایت نقصان عقل و ایمان زنان در بوته اعتبارسنجی".
 پژوهش دینی ۱۵، ۳۲(۱۳۹۵ش): ۵-۲۵. 3.1.32.15.1395.17352770.1001.20.Dor:
 دینوری، احمدبن داود، الأخبار الطوال، قم، الرضی، ۱۳۶۸ش.
 رضایی، مانده، و راضیه ناطقی. "بررسی تفاوت های زن و مرد در خطبه ۸۰ نهج البلاغه". میراث طاهرا،
 ۵(۱۳۹۸ش).
- زمخشری، محمود بن عمر، ربیع الأبرار و نصوص الأخیار، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۲ق.
 سیط بن جوزی، تذکرة الخواص، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۸ق.
 سیدرضی، محمدبن حسین، خصائص الأئمة (ع)، مشهد، مجمع البحوث آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ق.
 سیدرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه، قم، دارالهجره، بی تا.
 شوشتری، محمدتقی، بهج الصباغة فی شرح نهج البلاغة، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ش.
 صدوق، محمدبن علی، الأمالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ش.
 صدوق، محمدبن علی، من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
 طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
 طبرسی، احمدبن علی، الإحتجاج، مشهد، مرتضی، ۱۴۰۳ق.
 طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
 طبری، محمدبن جریر، تاریخ الأمم والملوک، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۷ق.
 طبری، محمدبن جریر، المسترشد فی إمامة علي بن أبي طالب (ع)، قم، کوشانپور، ۱۴۱۵ق.
 طوسی، محمدبن حسن، الأمالی، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
 طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الأحکام، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵ش.
 طیبی، ناهید. "بازپژوهی دیدگاه امام علی (ع) درباره عقل زنان با تاکید بر خطبه ۸۰ نهج البلاغه".
 مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ۵(۱۳۹۵ش): ۷۵-۹۴.
 غزالی، ابوحامد، إحياء علوم الدين، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.
 قربان نیا، ناصر، و معصومه حافظی. "نقد و بررسی دیدگاه های مربوط به خطبه هشتم نهج البلاغه".
 مطالعات راهبردی زنان ۱۵، ۶۰(۱۳۹۲ش).
 قرشی بنابی، سیدعلی اکبر، مفردات نهج البلاغه، به کوشش محمدحسن بکائی، تهران، قبله، ۱۳۷۷ش.

- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم، قم، مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
- قیسی شریسی، أحمد بن عبدالمؤمن، شرح مقامات الحریری، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۷ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، قم، دارالهجرة، ۱۴۰۹ق.
- مسکویه، احمد بن محمد رازی، تجارب الأمم، تهران، سروش، ۱۳۷۹ش.
- مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، قاهره، دارالحديث، ۱۴۱۲ق.
- مفید، محمد بن محمد، الاختصاص (منسوب به شیخ مفید)، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- مفید، محمد بن محمد، الجمل، قم، کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء و التاريخ، بی جا، مکتبة الثقافة الدینیة، بی تا.
- نسائی، احمد بن علی، السنن الكبرى، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.
- نصر بن مزاحم، بن سيار منقری، وقعة صفین، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۳ق.